

فهرست مطالب

سخنی باخواننده.....	۱۳
مقدمه.....	۱۵

فصل اول: مفاهیم و چارچوب نظری

گفتار اول: مفاهیم.....	۲۳
۱. جامعه‌شناسی.....	۲۳
الف) جامعه‌شناسی علم.....	۲۴
ب) جامعه‌شناسی معرفت.....	۲۵
ج) جامعه‌شناسی علم فقه.....	۲۶
۲. فقه.....	۲۷
معنای لغوی.....	۲۷
فقه حکومتی.....	۲۹
۳. تطورات.....	۳۷
۴. درون‌نهاد و برون‌نهاد علم.....	۳۹
گفتار دوم: چارچوب نظری بحث.....	۴۰

۱. علم از نگاه دین ۴۱
۲. نظریه‌های جامعه‌شناسی معرفت ۴۴
۳. نظریه‌های جامعه‌شناسی علم ۵۲
۴. نظریه برگزیده ۵۴

فصل دوم: پیشینه‌شناسی تطورات فقه حکومتی شیعه

گفتار اول: تطورات فقه حکومتی در طول تاریخ فقه شیعه ۶۷

۱. عصر تشریع و حضور معصومان (علیهم‌السلام) از بعثت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تا ائمه اطهار (علیهم‌السلام) ۶۹
۲. عصر اجتهاد و گسترش فقه خصوصی ۷۲
۳. عصر اعتلا و پایداری (عصر صفوی) ۷۶
۴. عصر انشعاب فقه و پیدایش اخباری‌گری ۷۹
۵. عصر بازسازی و هویت‌یابی ۸۲
۶. عصر شکوفایی و گسترش فقه حکومتی ۹۰

گفتار دوم: عوامل جامعه‌شناختی رشد و تکوین حداقلی فقه حکومتی در دوره‌های

گذشته ۹۴

۱. عوامل درون‌نهادی ۹۶

عوامل معرفتی ۹۶

- (۱) اصل تقیه برای حفظ اصل اسلام ۹۶

(۲) موضوعیت‌نداشتن مسائل حکومتی ۱۰۱

۲. عوامل برون‌نهادی ۱۰۲

(الف) سیاسی ۱۰۲

- (۱) معطوف‌بودن حکومت‌ها به حفظ و برتری قوای نظامی ۱۰۲

۱۰۳	 (۲) نقشه‌های استعماری و خوی استکباری دشمنان
۱۰۵	 (۳) تحقق نیافتن و تثبیت نشدن حکومت شیعی
۱۰۸	 (ب) اجتماعی
۱۰۸	 متراکم نبودن جوامع و بافت اجتماعی گسسته
۱۰۹	 (ج) فرهنگی
۱۰۹	 روند تکاملی شکل‌گیری عقلانیت اجتماعی
۱۱۰	 (د) تاریخی
۱۱۰	 روال تاریخی نادرست جدایی رهبران سیاسی مسلمانان از رهبری دینی

فصل سوم: تطورات فقه حکومتی در عصر مشروطیت

۱۱۵	 گفتار اول: تطورات فقه حکومتی در دوران مشروطه
۱۱۶	 ۱. نزدیک‌تر شدن فقه به حوزه مسائل اجتماعی
۱۲۰	 ۲. مهجور شدن نظریه نامشروع بودن حکومت
۱۲۱	 ۳. ورود عناوین و موضوعات جدید به فقه
۱۲۶	 ۴. توجه به اصل کارآمدی و تقویت واقع‌گرایی در نظریه‌های فقهی
۱۲۹	 ۵. آغاز مبارزه علمی فقه با قانون طبیعی و غربی
۱۳۱	 گفتار دوم: عوامل تطور فقه حکومتی در عصر مشروطیت
۱۳۱	 ۱. عوامل درون‌نهادی
۱۳۱	 الف) بسط اندیشه‌های اجتماعی فقیهان
۱۳۵	 ب) تمایل فقیهان به تدوین نظام‌های فقهی اجتماعی
۱۳۶	 ۲. عوامل برون‌نهادی
۱۳۶	 الف) اجتماعی

- ۱۳۶..... (۱) تغییر بستر اجتماعی اقتصادی ایران.....
- ۱۳۷..... (۲) تثبیت و ارتقای موقعیت اجتماعی فقیهان.....
- ۱۳۹..... (ب) سیاسی.....
- ۱۳۹..... (۱) نیاز به یک نسخه راهبردی در مقابله با استعمار.....
- ۱۴۳..... (۲) واکنشی در مقابله با استبداد.....
- ۱۴۵..... (ج) فرهنگی.....
- ۱۴۵..... فقه حکومتی ضرورتی برخاسته از مواجهه هوشمندانه مسلمانان با مدرنیته.....

فصل چهارم: تطورات فقه حکومتی در عصر انقلاب اسلامی

- ۱۴۷..... گفتار اول: چستی تطورات.....
- ۱۵۱..... ۱. تطورات در عرصه علم فقه.....
- ۱۵۲..... (الف) توسعه اختیارات حکومتی ولی فقیه.....
- ۱۵۷..... (ب) استفاده حداکثری از مصلحت.....
- ۱۶۱..... (ج) توجه به زمان و مکان.....
- ۱۶۴..... (د) توجه به موضوع‌شناسی.....
- ۱۶۶..... ۲. تطورات سازمان علم.....
- ۱۶۶..... (الف) توسعه آموزش.....
- ۱۷۴..... (ب) توسعه پژوهش.....
- ۱۸۷..... (ج) توسعه فقه در ساحت رسانه.....
- ۱۸۸..... (د) توسعه در فقه از حیث قانونی و اجرایی شدن.....
- ۱۹۷..... گفتار دوم: عوامل توسعه‌دهنده فقه حکومتی در عصر انقلاب اسلامی.....
- ۱۹۷..... ۱. عوامل درون‌نهادی.....

الف) معرفتی.....	۱۹۷
۱) تفوق علمی نظریه ولایت فقیه به عنوان مبنای تئوری پردازی.....	۱۹۷
۲) نظام اسلامی به مثابه مسئله مستحدثه فقیهان.....	۲۰۲
ب) غیر معرفتی.....	۲۰۴
۱) ظهور نظریه پردازان برجسته حوزوی.....	۲۰۴
۲) ارتقای سازمان روحانیت.....	۲۱۲
۳) ایجاد نهادها و ساختارهای متناسب.....	۲۱۶
۲. عوامل برون نهادی.....	۲۱۷
الف) اجتماعی.....	۲۱۷
افزایش مطالبه اجتماعی از حوزه علمیه.....	۲۱۷
ب) فرهنگی.....	۲۲۰
۱) دغدغه حفظ هویت در تقابل با تهاجم فرهنگی غربی.....	۲۲۰
۲) تغییر ارزش های اجتماعی حاکم بر فضای علمی.....	۲۲۳
ج) سیاسی.....	۲۲۵
ضرورت مقابله با نظام های سیاسی و حقوقی رقیب همچون کمونیسم ولیبرال	
دموکراسی.....	۲۲۵
د) اقتصادی.....	۲۲۸
ه) بین المللی.....	۲۲۹
ایجاد ظرفیت تعاملی با جهان.....	۲۲۹
و) ارتباطات.....	۲۳۱
توسعه شبکه های ارتباطی.....	۲۳۱

فصل پنجم: آسیب‌شناسی فقه حکومتی در دوران معاصر

- گفتار اول: آسیب‌های درون‌نهاد علم..... ۲۳۷
۱. معرفتی..... ۲۳۷
- الف) مبانی و اصول حاکم..... ۲۳۷
- (۱) تعریف‌نشدن قلمرو فقه..... ۲۳۷
- (۲) منقح‌نشدن فلسفه فقه حکومتی..... ۲۴۲
- (۳) نگرش فردی و غیر حکومتی به فقه..... ۲۴۴
- ب) روشی..... ۲۴۷
- (۱) منقح‌نشدن اصول فقه حکومتی..... ۲۴۷
- (۲) مهجوریت قرآن و حدیث..... ۲۴۹
- (۳) بهره‌نگرفتن از عقل در تعیین احکام اجتماعی..... ۲۵۱
- (۴) تعریف صحیح‌نشدن مصلحت و به‌کارگیری آن..... ۲۵۱
- (۵) لحاظ‌نشدن زمان و مکان..... ۲۵۳
- (۶) نبود یا کمبود فقه حکومتی تطبیقی..... ۲۵۴
- ج) موضوعی..... ۲۵۸
- د) محتوایی..... ۲۶۱
- (۱) ورود غیر تخصصی..... ۲۶۲
- (۲) پژوهش‌های تبلیغی..... ۲۶۴
- (۳) کاربردی و راهبردی نبودن..... ۲۶۶
- (۴) توجه کافی‌نداشتن به قابلیت‌های حکم حکومتی..... ۲۶۷
۲. غیر معرفتی..... ۲۶۸
- الف) موانع فکری و فرهنگی..... ۲۶۹

۲۶۹.....	۱) نبود جامعیت علمی و زمان آگاهی.....
۲۷۴.....	۲) قفل‌شدگی تاریخی.....
۲۸۳.....	۳) تحجرگرایی.....
۲۸۳.....	۴) رسوخ اندیشه اخباری‌گری در برخی لایه‌های حوزویان.....
۲۸۴.....	۵) نفوذ جریان‌های فکری غرب و هژمونی اندیشه مدرن.....
۲۸۶.....	۶) نفوذ اندیشه‌های غیر اجتماعی.....
۲۸۷.....	ب) موانع آموزشی و پژوهشی.....
۲۸۷.....	۱) کم‌توجهی به مسائل اجتماعی در مراکز آموزشی.....
۲۸۸.....	۲) ضعف مطالعات درجه دوم و علوم مضاف.....
۲۸۸.....	۳) ورود جدی‌نکردن بزرگان حوزه علمیه به بحث فقه حکومتی.....
۲۸۹.....	۴) مشکلات ساختاری نهادهای عهده‌دار پرورش فقیهان.....
۲۹۰.....	۵) کمبود نیروی انسانی کارآمد.....
۲۹۱.....	گفتار دوم: آسیب‌های برون‌نهاد علم.....
۲۹۲.....	۱. نبود نگاه کاربردی دست‌اندرکاران به دین و فقه.....
۲۹۲.....	۲. نبود نظام ارجاع سؤالات و پرسش‌های فقهی ادارات.....
۲۹۴.....	۳. سهم کم‌رنگ حوزه‌های علمیه در ابعاد کلان اجتماعی و فرهنگی.....
۲۹۴.....	۴. ورود غیر تخصصی و آفت‌زای مراکز و مؤسسات بیرونی به دایره تحقیقات حوزوی.....
۲۹۵.....	حوزوی.....

جمع‌بندی

۳۰۱.....	پیشنهاد‌های پژوهشی.....
----------	-------------------------

۳۰۵.....	کتابنامه.....
----------	---------------

نمایه‌ها

آیات.....	۳۲۱
روایات.....	۳۲۲
موضوعات.....	۳۲۳
اعلام و مشاهیر.....	۳۴۷
کتاب‌ها.....	۳۵۲
مکان‌ها.....	۳۵۳
تئالگان.....	۳۵۴

سخنی باخواننده

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی در سال ۱۳۷۳ به منظور تحقیق و پژوهش با زمینه‌های نظری (بنیادی)، تحلیلی (توسعه‌ای) و عملیاتی (کاربردی) در حوزه علوم و اندیشه سیاسی اسلام کار خود را آغاز کرد. انجام این مطالعات و معرفی و ترویج نتایج آن در حوزه علوم انسانی با رویکرد اسلامی، همواره رسالت مهم این پژوهشکده بوده است. با وجود این تلاش‌ها، همچنان پاره‌ای کمبودها در حوزه اندیشه سیاسی اسلام وجود دارد که انتشار برخی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی در حوزه علوم اسلامی می‌تواند این نیازهای جامعه علمی را جبران و به گسترش ادبیات بحث کمک کند؛ ازاین‌رو با عنایت به این ضرورت و نظر به اینکه توسعه فرهنگ اسلامی و تقویت مبادی و کارکردهای آن از رسالت‌های دفتر تبلیغات اسلامی است، پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی به انتشار برخی پژوهش‌های علمی پژوهشگران این عرصه در حوزه علوم سیاسی اقدام کرده تا از این طریق به توسعه فعالیت‌های پژوهشی و انتشاراتی در حوزه علوم انسانی با رویکرد اسلامی کمک کند.

یکی از حوزه‌های نظری مغفول در مطالعات اجتماعی دین و جامعه‌شناسی علم در ایران «جامعه‌شناسی فقه حکومتی» است. از این حیث و با توجه به اهمیت نظری و

راهبردی این حوزه، پرداختن به صورت‌بندی‌های فقه شیعی از چشم‌انداز جامعه‌شناسی علم سودمند خواهد بود؛ از این‌رو این کتاب با هدف شناخت روند روبه‌رشد دانش فقه حکومتی، فهم تطورات و چگونگی تکوّن و تحول آن، فهم موانع و دشواری‌هایی که بر سر راه تکامل این دانش وجود دارد، به رشته تحریر درآمده است.

لازم می‌دانم از تلاش‌های مؤلف دکتر علیرضا استادیان خانی، ناظران حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر نصرالله آقاجانی، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر شمس‌الله مریجی و ارزیاب حجت‌الاسلام و المسلمین روح‌الله شریعتی تشکر و قدردانی کنم. همچنین از زحمات ارزنده مدیر گروه فقه سیاسی حجت‌الاسلام و المسلمین سیدسجاد ایزدهی و مدیر اداره امور پژوهشی دکتر محمود فلاح و تمام دست‌اندرکاران آماده‌سازی فنی و چاپ نشر این اثر صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. در پایان پژوهشکده لازم می‌داند از رئیس محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر نجف لکزایی و معاون پژوهشی حجت‌الاسلام و المسلمین محمدهادی یعقوب‌نژاد که مساعدت‌های مؤثر ایشان نقشی اساسی در به سرانجام رسیدن پژوهش حاضر داشت، تشکر نماید. نیز از اداره نشر پژوهشگاه در آماده‌سازی و چاپ این اثر تشکر و قدردانی می‌شود.

این پژوهشکده در راستای حیات و بالندگی خود از انتقادهای و پیشنهادهای علمی استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران محترم استقبال می‌کند. امید است این فعالیت‌ها موجبات رشد و پویایی اندیشه سیاسی اسلام را فراهم کند

دکتر منصور میراحمدی

رئیس پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

مقدمه

شریعت اسلامی بر اساس تحقق فرهنگ عبودیت و بر مبنای تکامل اخلاق^۱ توسط پیامبر اکرم ﷺ به مردم ابلاغ شد و مردم جزیره العرب که از آبهای آلوده می نوشیدند، غذای سخت می خوردند و دختران خود را زنده به گور می کردند، به برکت اسلام در کانون رشد و توسعه قرار گرفتند و مهد تمدن و فرهنگ شدند.

بر اساس عقاید حق شیعه، مسیر هدایت انسان ها توسط برگزیده ای از جانب حق متعال، پس از پیامبر گرامی ﷺ اسلام خاتمه نیافت و به مثابه حدیث «اگر زمین از حجت خداوند خالی باشد، هرآینه زمین اهلش را فرو می خورد»،^۲ انسان ها همواره امامی دارند؛ حال ممکن است امامی باشد و مردم در پشت پرده ظلم و غفلت و تباهی باشند یا اینکه مردم مشتاق و واله باشند و امام در پس پرده غیبت باشد.^۳

شیعه قایل است مسیر بیان احکام و هدایت تشریعی امت اسلام با ائمه طاهرين (ع) که از جانب خداوند، وصی برحق رسول اکرم ﷺ بودند، ادامه یافت و ایشان لایه های گوناگون معارف اسلامی شامل اخلاق، احکام و عقاید را برای

۱. إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ (علی بن حسام الدین متقی هندی؛ کنز العمال؛ ج ۳، ص ۱۶، ح ۵۲۱۷۵).

۲. لولا الحجة لساخت الارض بأهلها (محمد بن یعقوب کلینی؛ اصول کافی؛ ج ۱، ص ۳۳۴).

۳. جعفر سبحانی؛ منشور عقاید امامیه؛ ص ۴۴.

امت اسلام تبیین کردند.^۱ سپس در زمان غیبت، وظیفه هدایت و زعامت امت با عالمانی است که مصداق «واما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها إلى رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم وانا حجة الله علیهم»^۲ در پیشامدها به روایان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنها حجت من‌اند بر شما و من حجت خدایم» هستند و مردم وظیفه دارند در هر دوره‌ای از مجتهد اعلم زمان آگاه تقلید کنند.^۳

روش اجتهاد که از امامان معصوم علیهم‌السلام در زمان حیاتشان تجویز کردند، رفته‌رفته با توجه به دور شدن از زمان این پیشوایان بزرگوار، متعدد شدن مسائل مکلفان، نبوغ متعلمان جدید و مجتهدان قرون بعدی و طبع روبه‌پیشرفت علم، عمیق‌تر شد و روش اجتهاد که روزی تنها تسلط بر روایات و ذوق سلیم آبدیده‌شده در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را برای استنباط نیاز داشت، به علمی همچون دریا، رجال، اصول و فقه القرآن مجهز شد.

دانش فقه در دوره‌های گوناگون تاریخی با توجه به سهمی که از امکانات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی داشت، به رشد و توسعه خود ادامه داد تا اینکه در سده اخیر با معادلات کلان سیاسی جامعه گره خورد و به صورت طبیعی دامنه بحثش گسترده‌تر و از سوی دیگر منتقدانش نیز افزون‌تر شد؛ از این‌رو فقیهان برای دفع شبهات به مباحث کلامی، فلسفه فقه و جامعه‌شناسی فقه نیز تمایل یافتند.

فقه حکومتی دغدغه‌ای است که اندیشوران اسلامی را در قرن اخیر به گونه‌ای محسوس درگیر خود کرده است و در واقع می‌توان روند پرفراز و نشیب فقه حکومتی را کارنامه‌ای از کنش‌های مجتهدان عصر جدید در برابر پرسش‌های تازه بشر

۱. ر.ک: همان، ص ۹۴.

۲. ابن‌بابویه؛ کمال الدین و تمام النعمه؛ ج ۲، ص ۵۱۶، ح ۴۴.

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی؛ رساله عملیه؛ ص ۵.

دانست؛ پرسش‌هایی که ریشه در نوشوندگی جامعه و پیشرفت و توسعه امکانات مادی زندگی بشر دارد.

اندیشوران اسلامی با تمامی تفاوت‌های دید و تکرر دیدگاه‌ها کوشیده‌اند برای فقه در زمان کنونی، وضعیتی را مشخص کنند و میدان عمل فقاقت را معین نمایند و در مورد دامنه تأثیر فقه در زمان جدید اظهارنظر کنند.

فقه شیعه در مقطع تاریخی چند دهه اخیر با پدیده‌ای به نام انقلاب گره خورد و نظام سیاسی‌ای بر جغرافیای سرزمینی کشور ایران حاکم شد که مذهب رسمی خود را شیعه جعفری خواند و در اصلی‌ترین قانون خویش، یعنی قانون اساسی مقرر داشت: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است».^۱

فقه شیعه در این دوران تاریخی به دلیل بسط ید حاکم شرع، با دامنه وسیعی از موضوعات روبرو شد که پاسخ مناسب و درخور می‌طلبید؛ از این‌رو دانش فقه با دانش‌های متعددی از جمله شاخه‌های گوناگون علوم انسانی درگیر شد و از سوی دیگر به دلیل نقش عمیق و تأثیرگذارش در ساختارها و سازوکارهای اجتماعی و رفتارهای توده مردم مورد مطالعه درجه دو نیز قرار گرفت.

فقه حکومتی یکی از مراحل تکاملی فقه اسلامی است که دغدغه دارد مسائل حوزه حاکمیت اسلامی را تبیین کند و از دیدگاه کلان اجتماعی، موضوعات فقهی را بررسی کند و موضوعات عام زندگی بشری را در درون ساختار نظام سیاسی

۱. اصل چهارم قانون اساسی.

اسلامی پاسخ دهد. فقه حکومتی نگاهی از نظر مدیریت کلان اجتماعی به ساحت فقه است و می‌خواهد فقه را در قالب کلان و نه تنها در حوزه فردی و جزئی پیگیری کند. فقه حکومتی به توانمندی فقه اسلامی در اداره جامعه معتقد است و تنها راه تحقق شریعت در حوزه فردی و اجتماعی را تأسیس حکومت می‌داند. در چارچوب فقه حکومتی، میان فرد و حاکمیت یک رابطه تعاملی در چگونگی اجرای شریعت برقرار است؛ یعنی یکی از اجزای فقه حکومتی، تبیین رابطه حکومت با مردم در شاخه‌های گوناگون حقوق و تکالیف حکمرانان با مردم و برعکس، نهادهای سیاسی مشروع اعمال قدرت، ارتباط مردم با یکدیگر در صحنه اجتماع، ارتباط امت اسلام با امت‌های دیگر و... است. می‌توان این‌گونه بیان داشت که فقه شیعه به دلایل گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی پس از پیامبر گرامی اسلام ﷺ در عرصه فقه به دو باب عبادات و معاملات (عقود و ایقاعات) محدود شد و به اصلاح حقوقدانان، حقوق خصوصی اسلامی منظم و تبویب شد؛ ولی به دلایل گوناگون حقوق عمومی مصطلح مهجور ماند.^۱

این مسئله که در سده اخیر، فقه با موضوعیت حکومت اسلامی و سیاست دینی چگونه با موضوعات روز مبتلا به اجتماعی برخورد کرده و در مسئله فقه و جامعه و حکومت تا چه اندازه در فقه تطور ایجاد شده است و چرا فقه اسلامی با تمام قوت‌هایی که برای استنباط مباحث اجتماعی و سیاسی داشت، در اعصار گذشته، ورود لازم و کافی از خود به جای نگذاشت و اینکه چگونه این رویکرد در سده اخیر شکوفا شد، بحث مفصلی است که می‌توان ابعاد گوناگون آن را بررسی کرد و از زاویه جامعه‌شناسی علم و جامعه‌شناسی معرفت به تبیین و توضیح آن پرداخت.

۱. ناصر کاتوزیان؛ فلسفه حقوق؛ ج ۱، ص ۷.

بی‌گمان فقه شیعه محتوای گسترده و عمق زیادی دارد که می‌تواند راهگشای انسان در عصر جدید باشد؛ ولی باید با بررسی جامعه‌شناختی این دانش، دستاوردهای آن در بازه‌های زمانی مشخص شود و تطورات و تحولات این دانش رصد و عوامل و شرایط تسریع‌کننده این تطورات بررسی شود. توضیح اینکه فقه شیعه در دوره معاصر نه تنها همواره به تحولات سیاسی توجه کرده، بلکه بخشی از این تحولات را پوشش داده است که عملکرد فقه حکومتی شیعه را در تحولات معاصر در سه مقطع می‌توان دنبال کرد:

مقطع نخست مربوط به پیش از مشروطه است. فقه شیعه در این مقطع، استبداد سیاسی حاکم را فاقد مشروعیت ذاتی و رفتاری می‌دانست و شیوه تعامل مردم با آن را با عناوین و ابواب فقهی همچون ولایت و ولات جور تبیین می‌کرد. ویژگی دیگر فقه شیعه در اواخر این مقطع یعنی در سال‌های پایانی دوره ناصرالدین شاه قاجار که سلطه خارجی نیز وارد شد، یعنی به طور دقیق از سال ۱۸۰۰ میلادی،^۱ جهت‌گیری ضد استعماری آن است.

مقطع دوم دوران مشروطه است که به تناسب فرصت‌های اجتماعی نو، حرکت سیاسی دینی جامعه که تا پیش از آن به صورت نوعی مقاومت منفی در قبال قدرت سیاسی حاکم دنبال می‌شد، به شکل رقابت سیاسی فعال درآمد. در این رقابت، هدف این بود که اگر نمی‌توان قدرت شاهنشاهی ذاتاً نامشروع را کنار زد، دست‌کم رفتار آن را از طریق مجلس بر مبنای عدالت دینی به گونه‌ای قاعده‌مند کنترل کرد. مهم‌ترین رساله‌ای که در این زمینه در دوران مشروطه نگاشته شد، رساله تنبیه الامه و تنزیه المله اثر میرزای نایینی است.

۱. سیدعلی خامنه‌ای؛ «بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی»، ۱۳۹۶/۱۱/۲۹، در

مقطع سوم از دهه ۱۳۴۰ آغاز می‌شود. در این مرحله، فقه شیعه صورت شرعی قدرت در عصر غیبت را که از دیرباز در ابواب گوناگون فقهی نشان می‌داد، به گونه‌ای مستقل به صورت آرمان اجتماعی تحقیق‌یافتنی مطرح می‌کرد. حکومت اسلامی بر مدار ولایت فقیه صورت‌پردازی سیاستی قدسی است که مشروعیت خود را در مسیر اراده تشریعی خداوند و از طریق مشروعیت ولایت و راهبری قطب عالم امکان، حضرت بقیه‌الله حجة بن الحسن العسكري علیه السلام تأمین می‌کند. ویژگی ولایت فقیه، فقط عملکرد قاعده‌مند آن بر مدار عدالت و آگاهی نیست؛ بلکه مشروعیت ذاتی آن است.^۱

این مقطع با رهبری امام خمینی و قیام پانزدهم خرداد از افق مرجعیت شیعه آغاز شد و البته طبیعی است که رویکردهای گوناگون نیز متولد شود؛ اما شکی نیست که هژمونی تفکر فقه سیاسی حکومتی شیعه در قرن اخیر با نظریه ولایت مطلقه فقیه است. در این مقطع، تطورات فقه حکومتی از دهه چهل شمسی تا زمان امروز بررسی می‌شود.

ذکر این نکته لازم است که در کنار مطالعه ادوار فقه که مطالعه‌ای درون‌دینی است، ضروری است عوامل برون‌دینی رشد فقه حکومتی در سده اخیر - در این سه مقطع گوناگون - نیز به همین موازات بررسی شود؛ همچنین موانع گسترش فقه حکومتی همچون موانع فکری و معرفتی، تاریخی و... بررسی و تدقیق شود. البته باید توجه داشت مطالعه تحولات فقه حکومتی نباید به بررسی مسائل اجتماعی منحصر شود؛ بلکه برای رسیدن به نتیجه دقیق باید با نگاهی جامع به بررسی تمام عوامل و موانع پرداخت.

۱. حمید پارسانیا؛ انواع و ادوار روشنفکری؛ با نگاه به روشنفکری حوزوی؛ ص ۳۴ (با دخل و تصرف).

اینکه فقه حکومتی چه تعریفی دارد، در دوره‌های گوناگون چه روندی را طی کرده و در سده اخیر چه تطوراتی داشته است، اینکه فقه حکومتی چه عرصه‌هایی دارد، اینکه چرا پس از گذشت چهل و اندی سال از انقلاب اسلامی و با وجود نیاز مبرم به فقه حکومتی، هنوز تلاش‌های درخور در این بحث مشاهده نمی‌شود، همه پرسش‌هایی است که پاسخ به آن می‌تواند وضع فقه حکومتی را در جامعه ما روشن کند.

یکی از حوزه‌های نظری مغفول در مطالعات اجتماعی دین و جامعه‌شناسی علم در ایران، «جامعه‌شناسی فقه حکومتی» است. از این حیث و با توجه به اهمیت نظری و راهبردی این حوزه، پرداختن به صورت‌بندی‌های فقه شیعی از چشم‌انداز جامعه‌شناسی علم سودمند خواهد بود.

جامع‌نگری و توجه به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موضوعات علمی به‌ویژه در دانش فقه که ارتباط تنگاتنگی با مسائل فردی و اجتماعی دارد و ضرورت بسط نگاهی جامعه‌شناختی به آموزه‌های دینی، بار دیگر بر ضرورت انجام این پژوهش تأکید می‌کند.

جامعه‌شناسی فقه حکومتی می‌تواند نشان دهد فقه تا چه اندازه در تعیین‌های اجتماعی کارگشاست و فقیهان تا چه اندازه به بعد اجتماعی زندگی مقلدان توجه داشته‌اند و جامعه چقدر توانسته از مدل‌های فقهی در تمشیت امور خود بهره‌برد. اهمیت این پژوهش این است که می‌تواند تلاش فقیهان را در دوران گذشته به‌روشنی تصویر کند و راه نرفته را برای جویندگان دانش بیش از پیش هموار نماید تا با شناخت عوامل و موانع، راه برای برنامه‌ریزی حصول به تطورات حداکثری تسهیل شود.

فقه حکومتی آن‌گاه که بررسی جامعه‌شناختی شود و از نگاهی بیرونی واکاوی

شود، می‌توان به صورت دقیق، عوامل تطورش در برابر وضعیت سابق یا موانعش در مسیر وضع ایدئال را شناخت و محک زد.

شناخت تطورات فقه حکومتی در سه مقطع تاریخی از مشروطه تا انقلاب اسلامی و فهم جامعه‌شناختی عوامل و موانع برون‌نهادی فقه حکومتی با هدف «شناخت دقیق روند تکاملی و روبه‌رشد دانش فقه حکومتی»، «فهم تطورات و چگونگی تکوّن و تحول آن در روند تاریخی معاصر»، «فهم موانع و دشواری‌هایی که بر سر راه تکامل این دانش وجود دارد»، «شناخت مراحل تکامل، افراد اثرگذار و بسترهای معد تحول فقه حکومتی» و «شناسایی شرایط کنونی دانش فقه حکومتی از حیث معرفت اجتماعی» از اهداف این پژوهش است.

فصل اول

مفاهیم و چارچوب نظری

گفتار اول: مفاهیم

۱. جامعه‌شناسی

واژه «جامعه‌شناسی» را نخستین بار آگوست کنت فرانسوی در سال ۱۸۳۸ میلادی، ضمن دروس فلسفه اثباتی خود به کار برد. بدین سبب او را پدر جامعه‌شناسی می‌نامند.^۱ حقیقت آن است که تا کنون تعاریف گوناگونی از جامعه‌شناسی شده که بسیاری از این تعاریف از سوی افراد صاحب‌مکتب در جامعه‌شناسی عرضه شده‌اند؛ توضیح اینکه مکاتب فکری گوناگونی در جامعه‌شناسی همچون اثبات‌گرایی، کارکردگرایی، مارکسیسم، کنش متقابل نمادین و... وجود دارد که هر کدام با توجه به اصول و چارچوب فکری و روش مطالعاتی جامعه به تعریف جامعه‌شناسی پرداخته شد؛ اما در یک تعریف کوتاه و خلاصه می‌توان گفت جامعه‌شناسی علم مطالعه پدیده‌ها و کنشگران اجتماعی نهادها، قشرها و گروه‌های اجتماعی در جهت کشف

۱. غلام‌عباس توسلی؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی؛ ص ۷۵.